

## مذاکره با آمریکا؛ پیشنهادی برای تیم مذاکره‌کننده


**کوروش احمدی**

دیپلمات‌پیشین

اگر سه روز اول این هفته را روزهایی تاریخی، دست‌کم در حوزه سیاست خارجی کشور، به‌شمار آوریم، خطا نکرده‌ایم. در نخستین روز این هفته تماسی علنی و دوجانبه بین نمایندگان عالی‌رتبه ایران و آمریکا انجام شد. اهمیت مضاعف این تماس که حداقل می‌توان آن را توام با تفاهم دانست، در این است که با نماینده یک دولت جمهوری خواه تندرو انجام شد. ویژگی این تماس، به‌عنوان مقدمه یک دور مذاکراتی بین دو کشور، در این است که نقطه پایانی بر بی‌میلی تاریخی مقامات کشور به تماس دوجانبه علنی و رسمی با آمریکا بود. پیش‌ازاین ایران ترجیح می‌دادند که یا با دیگران درباره برنامه هسته‌ای و تحریم‌های آمریکا مذاکره کنند یا چنین مذاکراتی را در یک چارچوب چندجانبه که آمریکا نیز یکی از حاضران باشد، انجام دهند. این چارچوب طبعاً دیگریانی را که نه‌تنها حضورشان ضروری نبود، بلکه اغلب مزاحم و مخل کار و موجب طولانی‌شدن روند نیز بودند، حذف کرده است. حاصل دیگر این تماس این بود که ثابت کرد همان‌طور که پیش‌بینی می‌شد، اسکان کار و مذاکره با دولت ترامپ از ابتدای دور اول ریاست‌جمهوری او وجود داشت و همچنان وجود دارد.

تحول دوم واکنش بازار در روزهای دوم و سوم هفته به تحول روز اول بود. کاهش حدود ۲۰درصدی بهای دلار و سکه قاعدا باید پیام روشنی برای نظام سیاسی و نخبگان حکومتی داشته باشد و کسانی را که سعی در بی‌اهمیت شمردن کم‌وکیف رابطه با جهان داشتند، به بازنگری در نظراتشان تشویق کرده باشد. این واکنش اگرچه ممکن است در ادامه و سه خاطر ابهام درباره نحوه پیشرفت کار و نتیجه نهایی تعدیل شود، اما نباید تردید داشت که در صورت لغو یا تعلیق تحریم‌ها شرایط اقتصادی-اجتماعی در کشور دستخوش تحول عمده‌ای خواهد شد. البته رفع تنش موجود اگرچه لازم است، اما به هیچ روی کافی نیست. این تنش در حکم صخره بزرگی بر سر راه توسعه کشور است، اما صرف کنارزدن این صخره به معنی حرکت خودکار و پرشتاب کشور در مدار توسعه نخواهد بود. توسعه لوازمی دارد که پرداختن به آن خارج از حوصله این مختصر و سواد این نگارنده است.

تحول سوم اعلام آمادگی ایران برای کار با شرکت‌های آمریکایی برای سرمایه‌گذاری و فروش کالا و خدمات به ایران است. این موضوع، هم از سوی رئیس‌جمهور به نقل از رهبری اعلام شد، هم در مقاله دکتر عراقچی در واشنگتن پست انعکاس یافت و هم برخی از روزنامه‌های اصولگرا به نحوی تأیید‌آمیز به آن پرداختند که حاکی از نوعی اجماع درباره آن است. ایسن موضوع هم از نظر برخورد کانسپ‌کارانه ترامپ با موضوعات مهم است و هم از این نظر که ایران در گذشته درباره کار اقتصادی با آمریکا تمایلی نشان نمی‌داد و از جمله پیش‌بینی کار با شرکت‌های خارجی تحت مالکیت یا تحت کنترل شرکت‌های آمریکا در برجام و مجوز افک (GI.H) برای این منظور بلااستفاده مانده بود، اما یک چیز روشن است و آن اینکه کار اقتصادی آمریکا با ایران بدون حداقلی از حضور آمریکا در ایران ممکن نخواهد بود. این حضور می‌تواند در حد دفتر حفاظت منافع ذیل یک سفارتخانه خارجی باشد.

پیشنهاد این است که ایران در پروتو تحولات و تجربیات چند دهه اخیر و نیز تماس شبتی که بین نمایندگان ایران و آمریکا در شبانه گذشته حادث شد، به جای صرفاً تمرکز بر برنامه هسته‌ای و تحریم‌های مرتبط با برنامه هسته‌ای، پیشنهاد کند که دو کشور در طول مذاکرات اسکان طرح همه ملاحظات و همه نگرانی‌های خود را در ازای لغو کامل همه تحریم‌های آمریکا اعم از اولیه و ثانویه در زمینه همه ادعاها داشته باشند. دیگر موضوعات می‌تواند حداکثر شامل برنامه موشکی باشد که با توجه به برنامه‌های نظامی دیگر کشورهای منطقه، ایران قابلیت دفاع از برنامه موشکی برحق خود را دارد. مسائل منطقه‌ای نیز موضوع دیگری است که بخش مهمی از آن در یکی، دو سال اخیر بلاموضوع شده است. ضمن اینکه این زمان‌مند بسیاری از کشورهای دیگر می‌تواند حمایت از آرمان فلسطین، مخالفت با اشغال اراضی دیگران و عدم شناسایی رژیم اسرائیل را ادامه دهد.

تجربه برجام در این زمینه می‌تواند و باید راهنما باشد. در برجام هیئت مذاکره‌کننده بر مبنای دستورالعملی که داشت، تنها بر

برنامه اتمی ایران و تحریم‌های مرتبط با آن متمرکز بود و حاضر به مذاکره راجع به دیگر موضوعات نبود.

<b>سه‌شنبه ۲۶ فروردین ۱۴۰۴</b>
<b>۱۶ شوال ۱۴۴۶</b>
<b>۱۵ آوریل ۲۰۲۵</b>
<b>سال بیست‌ویکم</b>
<b>شماره ۵۰۸۵</b>
<b>۳۰ هزار تومان</b>
<b>۱۲ صفحه</b>

# روزنامه

**در «شرق» امروز می‌خوانید:**

● همه متهمان در پرونده کرسنت محاکمه شده‌اند
● مأوریت دشوار «نوبوآ» برای مهار کارتل‌های فراملی

«شرق» در گفت‌وگو با منصور حقیقت‌پور و احمد بخشایش اردستانی واکاوی می‌کند

# مذاکره در راستای منافع ملی

گزارش تیتربیک‌رادر صفحه ۲ بخوانید

*گفت‌وگوی احمد غلامی با محمد بحرینیان وحسین راغفر*

## با برنده نوبل هم این اقتصاد درست نمی‌شود

*کجاها در اقتصاد اشتباه کرده‌ایم که عقب افتاده‌ایم و راه‌حل‌چپ‌بران‌عقب‌ماندگی‌ها چیست؟*



این گفت‌وگو در صفحه ۱۰ روزنامه «شرق» منتشر شده است. عکاس: کوروش شرق

### یادداشت

## راه پر از سنگلاخ مذاکرات؛ تهدیدها و فرصت‌ها


**غلامرضا نظربلند**

تحلیلگر

ایران موجب آزادشدن بخشی از انرژی آمریکا خواهد شد که درحال‌حاضر صرف مخاصمه با ایران می‌شود. حال اگر قضیه از این فراتر برود و فرضاً آمریکا بتواند ایران را با خود همراه کند، دراین‌صورت در جهت اثباتی هم می‌تواند مورد کاسزای آمریکا قرار گیرد. افزون بر این، نگاهی به کشورهای بزرگ‌تر منطقه نشان می‌دهد که ایران تنها کشوری است که می‌تواند در جایگاه قدرت ممتاز قرار گیرد. ترکیه که در توم‌های احیای امپراتوری عثمانی است، نمی‌تواند بیش از یک قدرت درجه دوم ظاهر شود. عربستان هنوز قبیله‌ای است. اسرائیل کوچک و بسیار آسیب‌پذیر و مصر هم نیازمند کمک خارجی برای اداره امور خود است.

به نظر می‌رسد که آمریکا در محاسبات خود برای بازداشتن ایران از دستیابی به سلاح هسته‌ای علاوه بر ملاحظه اسرائیل و موضوع اشاعه، نخست اقتصادی جهان و قدرت مطرح سیاسی و نظامی بعد از آمریکا قرار گیرد. این همان چیزی است که برای آمریکا تحمل‌پذیر نیست و واشنگتن را بر آن می‌دارد تا با آن به مقابله برخیزد. آمریکا در این تقابل که گونه‌ای ستیزه‌جویانه دارد، نیازمند یاریگری از سویی و برداشتن موانع موجود بر سر راه، از سوی دیگر است.

ایران شاید تنها کشوری در جهان باشد که در هر دو جهت می‌تواند ایفای نقش کند. این به آن معنا است که هم قادر است هدف یاریگری آمریکا قرار گیرد و هم برعکس سد راه هم‌وردی آن کشور با چین شود. به گمان نگارنده، این ایران است که با وجود دخالت متغیرهای مزاحم نهایتاً باید تصمیم بگیرد که ایفاگر نقشی ایجابی باشد یا سلبی! و بازم به گمان راقم این سطور ایران اگر نقش ایجابی بازی نکند، آمریکا قبل از آنکه به سراغ چین برود، سعی در مانع‌زدایی می‌کند تا بتواند روی رقابت که می‌رود تا بدل به تقابل‌گر شود، تمرکز کند و در هم‌وردی با او سنگ تمهید بگذارد.

عامل دیگر، خود ایران بماهو کلمه است که در لحاظ ژئوپلیتیکی و

ژئواستراتژیکی از موقعیت ممتاز توازن‌گری برخوردار است. قراردآشتن ایران

در موقعیت توازن‌گر (balancer)، جایگاه بالقوه آن را در معادلات جهانی

قدرت، کم‌نظیر و در عرصه معادلات منطقه‌ای قدرت، بی‌نظیر کرده است.

این موقعیت مشابه احزاب پادشاه‌ساز (kingmaker) است که با وجود

کوچکی می‌توانند چنان هم‌افزایی کنند که حزب بزرگ برنده انتخابات را قادر

کند تا دولت (ائتلافی) تشکیل دهد. در «دموکراسی‌های غربی» نظیر آلمان،

این پدیده کاملاً رایج است، به گونه‌ای که احزاب بزرگ با وجود پیروزی در انتخابات، خود به تنهایی توان تشکیل کابینه را ندارند و باید به احزاب کوچک

متوسل شوند و با آنها ائتلاف کنند تا از پس آن کار برآیند.

ایران هم به طور کلی در موقعیتی است که با هر قدرت جهانی همراه شود، کفه ترازو به نفع آن سنگینی می‌کند. آمریکا هرچند همچنان قدرت جهانی منحصربه‌فرد است، اما همان‌طور که اشاره شد، به نظر نمی‌رسد

در آینده متصور بتواند در مقام قدرت نخست باقی بماند. ترک مخاصمه با

کشوری که نزدیک به نیم‌قرن سر یکدیگر فریاد کشیده و راه تضاصم پیشه کرده‌اند و حتی از ناحیه آمریکا بر طبل تهدید به جنگ کوبیده شده است، فرصت‌های شاید منحصربه‌فردی هم در دسترس است. ازجمله آنکه با نگاهی عمیق به جوانب امر چنین به نظر می‌رسد که انتخاب هیچ‌یک از دو طرف مذاکره، جنگ و درگیری نیست و تهدیدهای آمریکا هم هرچند نمی‌توان گفت میان‌تهی است و قابلیت اجرایی ندارد، اما نوعاً برای ترغیب یا در بدترین سناریو واردکردن فشاری تهدیدزا و کارساز است.
ناگفته نماند که این به آن معنا نیست که وقوع جنگ به کلی منتهی است. مراد آن است که تهدید آمریکا به راه‌اندازی جنگ غیر از آنکه القای این پیام است که آن کشور از سر قدرت و با داشتن پلن B مذاکره می‌کند، به نوعی رضای‌کردن طرف ایرانی گفت‌وگو به تن‌دادن به تب از ترس مرگ است (البته ضرورت دارد که هیئت ایرانی با واکنشی مؤثر نشان دهد که در سایه تهدید نمی‌توان به پیشبرد مذاکرات و حصول نتیجه‌ای مطلوب خوش‌بین بود). دیگر مورد فرصت‌زا این است که اکنون منطقه در وضعیت بی‌نظمی و ناپایداری قرار گرفته و به نوعی دچار خلا قدرت شده است و نیاز حیاتی به اتخاذ تدابیر و انجام ترتیباتی دارد که فرجامش برون‌رفت از آن حالت و خاتمه‌دادن به جریانات و اقدامات تروریستی اسرائیل در غزه، لبنان، سوریه و کرانه غربی رود اردن باشد. گو آنکه گفته می‌شود ایران به خاطر ضربات مهلکی که به محور مقاومت وارد شده، در موقعیت مناسبی قرار ندارد و طبعاً فاقد همراه‌های لازم برای چانه‌زنی و تعیین تکلیف است. اما مسئله به اینجا ختم نمی‌شود و به قولی این رشته سر دراز دارد. حتی اگر تضعیف قدرت هم‌وردی ایران و بازدارندگی آن در موضوع محور مقاومت را واقعیت بدانیم، باز هم این ایران است که راجع به محور مزبور طرف هر مذاکره و گفت‌وگویی می‌تواند باشد و لاغیر. چنین اهلیتی کافی است که نقش ایران همچنان بی‌بدیل باشد و دست او را برای به خرج دادن هر ابتکار عملی باز بگذارد.

بسا توجه به مطالب پیش‌گفته که با عرض بوزش به درازا کشید، آنچه می‌توان در جمع‌بندی اولیه معروض داشت، ناظر به کلان‌روایتی است که از توانمندی‌های ذاتی و اکتسابی کشورهایمان در انجام مذاکرات با آمریکا با وجود ظاهر قضیه که از قراردآشتن ایران در ضعیف‌ترین وضعیت ممکن در سال‌های اخیر حکایت می‌کند، نشان دارد. این توانمندی و نیز وضعیت پرتنش جهانی و منطقه‌ای که به برقراری آرامش و تغییر چیدمان و جانیامی مؤلفه‌های قدرت وفق احتیاجات و واقعیات میدانی جدید نیازمند است، ایجاب می‌کند که ایران مسائلاً علاقه خود را بسا محیط بین‌الملل به‌طور مسالمت‌آمیز حل‌وفصل کند و کشور را در مسیر حل مشکلات مزمن و گوناگون موجود و گره‌گشایی از مشکلات و کام‌بردشتن در جهت شکوفایی جامعه و جلب رضایت عموم سوق دهد.

بدیهی است که با توجه به تجارب گران‌سنگ و هرچند اغلب تلخ گذشته که چراغ راه اکنون و آینده است، مذاکرات باید در محیطی متعادل و به دور از هرگونه تحکم و تهدید و درشت‌گویی و زیاده‌خواهی و طلبکاری انجام شود و اصول معامله به مثل (reciprocity) و بده‌بستان متوازن (balanced give and take) سرلوحه کار قرار گیرد. طرفه آنکه جاده دوطرفه است و هیچ‌یک از روندگان را امتیازی در برابر دیگری نیست.

اگر بنای ایجاد تعهد است، متقابل است. اگر بنای راستی آزمایی است (مثلاً درباره برنامه هسته‌ای ایران)، راستی‌آزمایی هم‌زمان رفغ تحریم‌ها هم روی میز است و طرف آمریکایی متعهد به انجام آن است. اگر بنای امتیازدهی است، بستان این بده هم امتیازگیری است.



آخرین غول ادبی درگذشت

وداع با یوسا

۱۲

### برگزیده‌ها

بررسی خطر حضور افراد غیرمتخصص بارشته‌های متفرقه در آزمایشگاه‌های کشور

**بازی با سلامت مراجعان**

۸

**نقطه تلاقی**

**جست‌و‌جو و سکوت**

گفت‌وگو با گیتی نوروزیان به بهانه نمایشگاه طوطیان سرخ

۱۱

سختگوی وزارت امور خارجه:

**مذاکره مستقیم انجام نمی‌شود**

**زیرا مؤثر و مفید نیست**

۳

برکناری مربی افسانه‌ای ایتالیایی راه‌حل مشکلات رئال است؟

**کارتلو، قربانی سیاست‌های پرز**

۹

«شرق» از شرایط سخت تحصیل در مدارس تخریبی، کانتکسی و سنکی گزارش می‌دهد

**ناگفته‌های مدارس خیرساز**

۱۰

### یادداشت

**اقتصاددانان**

و شب‌ه‌های پیش‌رو


**حسین حقگو**

کارشناس اقتصادی

«چگونه می‌توان انسان را تا این حد خودخواه فرض کرد، در حالی‌که آشکارا اصولی در سرشت او وجود دارد که بر اساس آن نفع خود را در موفقیت دیگران می‌یابد و خوشبختی آنان را برای خود به یک ضرورت بدل می‌کند و با این همه هیچ توقعی جز لذت حاصل از دیدن آرامش آنها ندارد.» (آدام اسمیت-نظریه‌عواطف اخلاقی).

مذاکرات روز شنبه در عمان بین ایران و آمریکا و اظهار رضایت طرفین از این مذاکرات به روشنی یک اصل و اگر بخواهیم امین‌وارانه به موضوع بنگریم، شاید بیان یک عصر را نشان داد، اینکه تحریم امری نامطلوب و مضر و بن‌بست برای کشور است و نباید آن را به‌عنوان یک واقعیت پذیرفت و می‌بایست به آن خاتمه داد و وارد عصر و دوره‌ای جدید شد.

اخیرا مناظره‌ای بین دکتر مسعود نبلی، اقتصاددان برجسته و دکتر خاندوزی، وزیر اقتصاد دولت سابق انجام شد که یک سوی گفت‌وگو (دکتر خاندوزی) اصرار داشت تحریم‌های بین‌المللی امری مفروض و واقع است و کار اقتصاددانان از جمله وزیر اقتصاد، بازی در همین زمین است و مدعی بود که در دوران تصدی مسئولیت خود این وظیفه بازنگری را به‌خوبی انجام داده و حتی به کشفیاتِ برای رشد اقتصادی کشور (استراتژی رشد) رسیده که طی دو سه سال سکانداری امور، آنها را پیاده و اجرا کرده است. طرف دیگر (دکتر نبلی) ضمن زیرسؤال‌بردن عملکرد وزیر و دولت سابق و اثبات نادرست‌بودن آمار و ارقام رسمی اعلام‌شده از رشد اقتصادی در آن دولت، رشد اقتصادی در فضای تحریمی را اصولاً ناچیز و چنین تئوری‌هایی را غیرواقع‌بینانه دانسته و کار درست را تلاش برای کاهش

تنش‌های خارجی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های رشد و توسعه اقتصادی هر کشوری عنوان کرده و...